

تأثیر مدرنیته در تغییر سبک زندگی

خانواده‌های بلوچ

(صفحات ۱۴۵ تا ۱۷۲)

DOR:20.1001.1.17358663.1401.17.50.6.9

نوع مقاله: پژوهشی

فرحناز یوسفی^۱

پندیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۸

دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۸

چکیده

با توجه به اینکه نظام خانواده در بلوچستان از نوع سنتی- مذهبی می‌باشد و همچنین روند مدرنیته بر جوامع مختلف تأثیرگذار بوده است که جامعه بلوچ هم از این مسئله مستثنا نیست. هدف مقاله حاضر آن است که به تأثیر و بازتاب مدرنیته بر سبک زندگی خانواده‌های سنتی بلوچ بپردازد. روش اصلی در این پژوهش، از نوع توصیفی- تحلیلی می‌باشد. لازم به ذکر است که روش کتابخانه‌ای جهت بررسی متون و محتوای مطالب به کاررفته شده بیشتر متکی بر مقالات علمی می‌باشد. در این تحقیق همچنین از روش میدانی نظیر مشاهدات و تجربیات نگارنده، گفت‌وگو با تعدادی از بانوان دانشگاهی و بزرگان مذهبی و پرسشنامه استفاده شده است. این مقاله از نظریه مدرنیزاسیون برای توضیح فرآیند مدرنیزاسیون در جوامع استفاده می‌شود، الهام گرفته شده است. پس از تعریف مدرنیته و بحث در نتایج حاکی از آن است که نسل امروزی به آموزه‌های سنتی خانواده زیاد پایبند نیست و این مسئله به مرور زمان آموزه‌های سنتی را با چالش‌های بیشتر مواجه می‌کند. به عبارت دیگر، در تقابل بین سنت و مدرنیته ارزش‌های مدرن به تدریج ارزش‌های سنتی را به حاشیه می‌کشاند. برای مقابله با این پدیده صرفاً روش‌های سنتی نمی‌توانند کاربرد چندانی داشته باشند بلکه می‌بایست با رویکرد مدرن به مقابله با مدرنیته برخاست.

واژگان کلیدی: مدرنیته، سنت، سبک زندگی، خانواده بلوچ، ایران.

anitataheri@gmail.com

۱. استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

۱- بیان مسئله

جوامع مختلف در سراسر دنیا مدام در حال تغییراتی هستند که این تغییرات مطمئناً بر سبک زندگی مردم تأثیرات به‌سزایی دارند. «سبک زندگی را می‌توان در اوقات فراغت، تفریح، رفتارهای جنسیتی، علایق حرفه‌ای و شغلی، پوشش، علایق هنری، ادبیات، ورزش، زبان و غیره مورد بررسی قرار داد» (رضائیان و ادریسی، ۱۳۹۷: ۱۱). مدرنیته و فناوری جدید منبع اصلی تغییرات اجتماعی هستند. با این حال به‌خودی‌خود جوامع را تغییر نمی‌دهند. بلکه این پاسخ به فناوری و مدرنیته است که باعث تغییر می‌شود. وقتی افراد به این تغییرات پاسخی مثبت می‌دهند خواه‌ناخواه سبک زندگی آن‌ها هم دچار تحول می‌شود. بنابراین «شرط تحقق سبک زندگی، انتخاب است. گرچه فرهنگ‌های مختلف محدودیت‌هایی بر انتخاب‌ها اعمال می‌کنند اما حق انتخاب را به کلی سلب نمی‌کنند. به همین دلیل می‌توان گفت که سبک زندگی، طیفی از رفتار است که علاوه بر ویژگی‌های گفته‌شده، ناشی از انتخاب فرد یا گروه در میان محدودیت‌های ساختاری خود نیز هست» (رضائیان و ادریسی، ۱۳۹۷: ۱۲-۱۱).

ایران یکی از جوامعی است که مدرنیته بر اقشار مختلف کشور تحولاتی را در سبک زندگی مردم ایران به‌خصوص در شهرهای بزرگ به وجود آورده است. جامعه بلوچ در ایران هم با تحولاتی، هرچند در میزان کمتر در مقایسه با شهرهای بزرگ، مواجه بوده است که سبک زندگی خانواده‌های بلوچ را متحول کرده است. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، زنان بلوچ در مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی سهمی نداشتند و نقش آن‌ها محدود به امور خانه‌داری و تربیت فرزندان بود. یکی از مهم‌ترین دلایل را می‌توان در مسئله‌ی کشف حجاب جست‌وجو نمود که با ساختار سنتی جامعه بلوچ سنخیت نداشت و در نتیجه بزرگان سنتی در بلوچستان مانع ورود دختران بلوچ به مدارس می‌شدند.^۱ اما با پیروزی انقلاب اسلامی شرایط برای حضور زنان بلوچ در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی به‌تدریج فراهم گردید، چراکه در جمهوری اسلامی با کشف حجاب مبارزه شد و در نتیجه زمینه‌های ورود دختران بلوچ به مدارس کم‌کم تحقق یافت. از دهه‌ی سوم انقلاب اسلامی به بعد با

^۱ برای اطلاعات بیشتر در خصوص کشف حجاب در ایران مراجعه شود به: سیاست و لباس (گزیده اسناد هم‌شکل شدن البسه ۱۳۰۷-۱۳۱۸ به کوشش سید محمدحسین منظور الاجداد، سازمان اسناد ملی ایران، تهران، ۱۳۸۰). همچنین به: قاسم سیاسی (۱۳۹۲)، سیستان و بلوچستان در روزگار پهلوی (مجموعه شانزده مقاله)، ص ۷۲-۹۰.

گسترش مراکز آموزشی و فرهنگی و سیاست‌های آموزشی و البته توأم با روند جهانی شدن و مدرنیته، تعداد قابل توجهی از دختران بلوچ به مراکز آموزشی و دانشگاه‌ها ورود پیدا نمودند و خروجی این تحولات به هر حال منجر به برخی تعارضات در ساختار سنتی خانواده گردید که از آن می‌توان به عنوان تعارض بین ارزش‌های سنتی و مدرن یاد نمود. طبیعتاً این تغییر و تحول باعث شده که زنان بلوچ به حق و حقوق قانونی خود بیشتر از گذشته آگاه باشند و لذا این امر به تدریج در حال اصلاح سازی نوع نگاه جامعه سنتی بلوچ نسبت به جنسیت زن است. با این وجود، این تغییر و تحولات که به نوعی وابسته به مدرنیته یا به نام مدرنیته شناخته می‌شوند چالش‌هایی را برای نظام خانواده‌ی سنتی نیز ایجاد کرده است. در مقاله‌ی حاضر به بخشی از مهم‌ترین این چالش‌ها اشاره شده که عبارت‌اند از: کاهش روابط بین اعضای خانواده، افزایش طلاق، افزایش سن ازدواج، تغییر در شیوه‌ی آداب و رسوم ازدواج، تغییر در پوشش مردان و زنان، فردگرایی، و آن دسته از موارد اخلاقی که با سنت‌های حاکم در خانواده بلوچ سازگاری ندارند.

تأثیر مدرنیته در تغییر سبک زندگی شاید اساسی‌ترین مسئله‌ای باشد که جوامع سنتی و محدود با آن مواجه هستند. در جوامع در حال رشد یا توسعه‌یافته، ارزش‌های مدرنیته و بازتابی که روند جهانی شدن بر آن‌ها داشته دیگر به عنوان چالش مطرح نبوده بلکه این جوامع نسبتاً خود را با شرایط جدید وفق داده‌اند. اما برای جوامع سنتی چون بلوچستان تأثیرات مدرنیته در تغییر سبک زندگی خانواده‌های بلوچ یک چالش مهم بشمار می‌رود که اغلب باعث نگرانی بزرگان مذهبی و سنتی از قبیل علمای اهل سنت و روسای طوایف شده است. چراکه روند مدرنیته به تدریج ارزش‌های سنتی حاکم بر جامعه را به چالش کشانده و چنانچه با این روند مقابله نشود ارزش‌های مدرن به مرور زمان جایگزین ارزش‌های سنتی خواهند شد. لذا در مقاله‌ی حاضر پاسخ به این سؤال ضروری به نظر می‌رسد که در حال حاضر تأثیر مدرنیته در سبک زندگی خانواده‌های بلوچ در چه مرحله‌ای قرار دارد؟ مقاله حاضر با یک روش توصیفی-تحلیلی و همچنین با استفاده از روش میدانی نظیر مشاهده و گفت‌وگو به تأثیرات مدرنیته در جامعه بلوچ می‌پردازد و آن‌ها را اجتناب‌ناپذیر می‌داند. ضمناً بر این مسئله تأکید می‌کند که برای مقابله با مدرنیته روش‌های سنتی پاسخ‌گو نبوده بلکه روش‌های مدرن کارسازتر می‌باشند. لاقلاً با استفاده از روش‌های مدرن، ارزش‌های سنتی را کمتر می‌توان به حاشیه راند.

۲. ادبیات پژوهش

۲-۱- ادبیات تجربی

اگرچه که تاکنون چنین پژوهشی در خصوص خانواده‌های بلوچ صورت نگرفته اما از آنجائی که این مسئله یکی از مهم‌ترین مسائل دنیای امروز به شمار می‌رود، جامعه‌شناسان و پژوهشگران ایرانی در آثار مختلفی که به چاپ رسانده‌اند ضمن این که به فواید مدرنیته اشاره نموده‌اند، معایب آن را نیز عنوان نموده و همچنین توصیه‌ها و پیشنهادهاى مختلفی را جهت مقابله با مدرنیته مطرح کرده‌اند که بررسی همه‌ی آنها از حوصله‌ی مقاله‌ی حاضر خارج است. از این‌رو، با توجه به ظرفیت این مقاله، صرفاً به تعداد معدودی از مقالات انتشار یافته که به زمینه کاری این پژوهش بسیار نزدیک است به شرح ذیل خلاصه‌وار اشاره می‌شود.

۱. شکوری و آزاد ارمکی (۱۳۸۱)، با بهره‌گیری از نظریه کارکردگرایی - ساختی پارسونز و نظریه تغییرات فرهنگی (ارزشی) اینگلهارت، طی یک مطالعه تجربی در سطح تهران طی سه سال، تحولات نهاد خانواده را مورد کاوش قرار داده‌اند که یافته‌ها نشان می‌دهد خانواده در فرایند نوگرایی متأثر از نوگرایی جامعه وسیع‌تر قرار دارد و این خود مشخصه‌ی جدیدی را معرفی می‌نماید که بیشتر تحت تأثیر انطباق‌پذیری تغییرات دوران جدید می‌باشد.

۲. جوکار (۱۳۹۱)، در پژوهشی به چگونگی ورود مدرنیته به ایران و نحوه تأثیرگذاری آن بر لایه‌های مختلف حیات خانوادگی در مؤلفه‌های گوناگونی همچون، افزایش سن ازدواج، تغییر شیوه‌های همسرگزینی، افزایش طلاق و غیره و همچنین به پیامدهای منفی مدرنیته و تلاش جهت بازگشت به نهادینه کردن ارزش‌های اسلامی در خانواده پرداخته است.

۳. جوکار و صفورایی پاریزی (۱۳۹۳)، در یک بررسی به این نتیجه رسیده‌اند که عامل مدرنیته بر کاهش جمعیت را نباید نادیده گرفت. بررسی تغییر بینش اعتقادی، ترویج مصرف‌گرایی، افزایش سن ازدواج و طلاق و تحقیر نقش مادری که به دنبال رواج مدرنیسم در جامعه رخ داده از موارد مهمی به شمار می‌روند که در این تحقیق مورد بحث و گفت‌وگو قرار گرفته‌اند.

۴. عباس زاده و همکاران (۱۳۹۴)، در یک پژوهشی با استفاده از دیدگاه‌های نظری و توجه به آسیب‌پذیری خانواده در پی جریان مدرنیته، برخی تأثیرات این جریان را بر گرایش زنان متأهل شهر زنجان به طلاق که نشان‌دهنده‌ی میزان تمایل زنان برای جدا شدن از همسرشان است، در ابعاد رفتاری، عاطفی و شناختی بررسی نموده‌اند. جامعه آماری این پژوهش، جمعیت زنان مناطق سه‌گانه شهر زنجان است که تعداد چهارصد نفر از آنان با استفاده از شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، انتخاب شده‌اند. نتیجه این بررسی نشان می‌دهد که بین فردگرایی و ابعاد آن، بعد اول رشد عقلانیت (انتخاب آزادانه) و مجموع این سازه و نیز بعد اول و سوم متغیر تغییر هنجارهای جامعه (نگرش منفی جامعه نسبت به خانه‌داری زنان و تغییر نگرش‌های افراد نسبت به روابط عاطفی و احساسی با جنس مخالف) با گرایش به طلاق و ابعاد آن، رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد.

۵. پیمان علی‌محمدی (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای جامعه آماری تحقیق خود را به سه گروه اصلی تقسیم کرده که گروه اول از بین افراد بلوچ دارای تحصیلات دانشگاهی، گروه دوم از بین افراد دارای تحصیلات حوزوی اهل تسنن و گروه سوم نیز از بین نمایندگان بلوچ شوراهای شهر و روستا انتخاب شده‌اند. بر اساس نتایج کسب‌شده، بین انواع احساس از خود و نوع سبک زندگی انتخابی کنشگران جامعه قومی بلوچ، رابطه وجود دارد، زیرا افراد بر اساس میزان تعلق به یکی از سه نوع احساس از خود آرمانی، وانمودی و وجودی به ترتیب دارای سبک زندگی مدرن، نیمه مدرن، نیمه سنتی و سنتی هستند. یافته‌های پژوهش اثبات می‌کند نوع آرمانی احساس از خود در بین گروه افراد دارای تحصیلات دانشگاهی، نوع وانمودی احساس از خود در بین گروه نمایندگان شوراهای شهر و روستا و نوع وجودی احساس از خود در بین گروه تحصیل‌کردگان حوزوی و طیف مذهبی قوت دارد. لذا هر چه کنشگران جامعه بلوچ، دارای تحصیلات دانشگاهی بالاتری باشند، نسبت به نهادهای فرهنگی مدرن گرایش بیشتری از خود نشان داده و دارای سبک زندگی مدرن‌تر و گرایش‌های قومی و مذهبی ضعیف‌تری هستند، لیکن هر چه تحصیلات به سمت حوزوی رفته و میزان گرایش‌های قومی و مذهبی افراد تقویت می‌شود، سبک زندگی سنتی انتخاب می‌شود. البته متغیرهای دیگری چون جنسیت، سن، سطح تحصیلات، میزان درآمد، شغل، نوع مسکن و جغرافیای محل زندگی در نوع انتخاب سبک زندگی مؤثر است.

تأثیر مدرنیته در تغییر سبک زندگی خانواده‌های بلوچ

۶. عبدالخانی (۱۳۹۷)، در یک مقاله به بررسی پیامدهای مدرنیته در خانواده پرداخته است. این مقاله با بررسی منابع اسلامی و روش کتابخانه‌ای، توصیفی و کاربردی پس از اشاره به جایگاه خانواده در اسلام و مؤلفه‌های مدرنیته، به پیامدهای منفی مدرنیته از جمله تغییر در ساختار و فرهنگ خانواده و شیوه‌ی همسرگزینی، کاهش روابط عاطفی در خانواده و میزان باروری و افزایش طلاق پرداخته است.

۷. سید امامی و همکاران (۱۳۹۷)، در یک تحقیق به این جمع‌بندی رسیده‌اند که بین مدرنیته و خانواده گرایی رابطه معنی‌دار وجود دارد. هرچند عقلانیت و فردگرایی و نگرش مثبت به اشتغال زنان به‌عنوان ابعاد مدرنیته در جامعه روند رو به رشد دارند، لکن خانواده گرایی بالا می‌باشد و خانواده به حیات خود ادامه می‌دهد.

تفاوتی که بین این مقاله با پیشینه‌ی تحقیق به کاررفته شده می‌توان یافت این است که پژوهش حاضر به تأثیر مدرنیته بر تغییر سبک زندگی خانواده‌های بلوچ می‌پردازد که در نوع خود جدید تلقی می‌گردد. علاوه بر آن، روش بکار رفته شده در اصل از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد. یکی دیگر از تفاوت‌های این مقاله با آثار فوق‌الذکر آن است که رویکردهای سنتی را در مقابله با مدرنیته کارآمد نمی‌داند.

۲.۲. ادبیات نظری

مقاله‌ی حاضر از نظریه مدرنیزاسیون الهام گرفته شده است. «تئوری مدرنیزاسیون از ایده‌های جامعه‌شناس آلمانی ماکس وبر (۱۹۲۰-۱۸۶۴) سرچشمه گرفته است که اساس پارادایم مدرنیزاسیون را که توسط تالکوت پارسونز (۱۹۷۹-۱۹۰۲)، جامعه‌شناس دانشگاه هاروارد بسط یافته بود، را فراهم کرد. نظریه مدرنیزاسیون برای توضیح فرآیند مدرنیزاسیون در جوامع استفاده می‌شود. بر اساس این نظریه با در نظر گرفتن فاکتورهای داخلی یک کشور می‌توان کشورهای سنتی را به همان روشی که کشورهای پیشرفته‌تر توسعه کرده‌اند، را به توسعه رساند.» (Wolfgang, 2003:96) «مدرنیزاسیون به گذر پیشرونده یک جامعه «پیش مدرن» یا «سنتی» به یک جامعه «مدرن» اشاره دارد. بر اساس نظریه مدرنیزاسیون جوامع سنتی با اتخاذ شیوه‌های مدرن‌تر توسعه خواهند یافت. طرفداران نظریه مدرنیزاسیون ادعا می‌کنند که دولت‌های مدرن ثروتمندتر و قدرتمندتر هستند و شهروندان آن‌ها از استاندارد زندگی بالاتری برخوردار می‌باشند. توسعه‌هایی مانند فناوری جدید داده‌ها و ضرورت به‌روزرسانی روش‌های سنتی در حمل‌ونقل،

ارتباطات و تولید، مدرنیزاسیون را ضروری و یا حداقل بر وضعیت موجود ترجیح می‌دهد. بر اساس این نظریه، اعتقادات مذهبی سنتی و ویژگی‌های فرهنگی معمولاً با فراگیر شدن مدرنیزاسیون اهمیت کمتری پیدا می‌کنند (Encyclopedia Britannica. 2013-08-17). تئوری مدرنیزاسیون نه تنها بر فرآیند تغییر بلکه بر واکنش‌ها به آن تغییر نیز تأکید می‌کند. همچنین ضمن اشاره به ساختارهای اجتماعی و فرهنگی و انطباق فناوری‌های جدید، به پویایی‌های داخلی نیز می‌پردازد. مورخان مدرنیزاسیون را به فرآیندهای شهرنشینی و صنعتی شدن و گسترش آموزش مرتبط می‌دانند. همان‌طور که کندال (۲۰۰۷) اشاره می‌کند، «شهرنشینی با مدرنیزاسیون و فرآیند سریع صنعتی شدن همراه بود». (Kendall. 2007: 11) هنگامی که مدرنیزاسیون در یک جامعه افزایش می‌یابد، فرد اهمیت فزاینده‌ای پیدا می‌کند و در نهایت جایگزین خانواده یا جامعه به‌عنوان واحد اساسی جامعه می‌شود.

مدرنیته

مدرنیته یعنی شیوه (زندگی جدید و امروزی) و در مجموع، مدرنیته یا تجدد عبارت است از مجموعه اوصاف و خصایص تمدن جدیدی که طی چند قرن اخیر در اروپا و آمریکای شمالی سر برآورد است. همچنین مدرنیته می‌تواند برای دوره تاریخی خاصی نیز به کار رود. در این مفهوم، مدرنیته نماینده‌ی دوره مدرن در تاریخ، در تقابل با دوره سنت است. (حسینی، سیدجلال، ۱۳۸۷)

بنیان‌گذاران کلاسیک جامعه‌شناسی یعنی: ۱. مارکس ۲. وبر ۳. دورکیم ۴. زیمل از نظریه‌پردازان مدرنیته هستند که درباره‌ی ماهیت جهان مدرن به نقد و بررسی پرداختند. جوامع پیشرفته با رشد صنعت، علم و فناوری توسعه‌یافته و نیز نظام‌های دموکراتیک، ارتقای فردگرایی را موجب شده است. برخی زیمل را نخستین جامعه‌شناس مدرنیته می‌دانند. نظریات او برای درک فرهنگ مدرن و شیوه‌های گوناگون تجربه افراد دارای اهمیت بسیار می‌باشند. از نظر زیمل تمام قیدوندهایی که جامعه سنتی داشته، به واسطه رشد فردگرایی در بستر جوامع شهری کمرنگ و موجب پیدایش فردیت و بیان خود در رابطه با دیگران در قالب سبک زندگی شده است. در چنین فضایی، افراد به دنبال کسب هویت از طریق مصرف نمادین هستند. مدرنیته اغلب در مقابل سنت در نظر گرفته می‌شود و نمایان‌گر جدایی از سنت است. اگر سنت به گذشته می‌نگرد، مدرنیته ظاهراً

تأثیر مدرنیته در تغییر سبک زندگی خانواده‌های بلوچ

نگاهش رو به آینده دارد. این تحولات همراه با توسعه شهرها بوده‌اند. به اعتقاد گیدنز توسعه شهرهای مدرن تأثیر به‌سزایی نه‌فقط بر عادت‌ها و شیوه‌های رفتار، بلکه بر الگوهای اندیشه و احساس نیز داشته است. گسترش شهرنشینی همراه با خود سلسله‌مراتب اجتماعی را به همراه داشته است. این سلسله‌مراتب غالباً دارای تحرک بیشتری نسبت به سلسله‌مراتب جوامع سنتی بوده و تابع وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. از دیدگاه اجتماعی و فرهنگی، شهرها محلی برای توسعه ارتباطات، آموزش و پرورش، افزایش میزان سواد و همگانی شدن آموزش بوده‌اند و منجر به شکسته شدن چارچوب‌های خشک سنتی قدیمی شده‌اند و توزیع مجدد قدرت را اغلب به نفع جوانان به دنبال داشته‌اند. پیدایش ارزش‌های عقلانی و مادی‌گرا، رشد فردگرایی، اعتقاد به دگرگون کردن محیط خود در تضاد با ارزش‌های سنتی که غالباً تقدیرگرا هستند، بوده است. این تحول همراه با مدرن‌سازی، تأثیرات فراوانی بر جامعه داشته است. تحولات و دگرگونی‌های دنیای مدرن متأثر از تغییر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی است که از آن با مفهوم مدرنیته یاد می‌شود. سبک‌های زندگی نیز در بستر این ساختارها متکثر شده‌اند. در واقع نگرش و رفتار افراد و گروه‌ها در معرض تغییرات وسیعی قرار گرفته است که حاصل دنیای جدید است. (معیدفر و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۳) بررسی پیشینه‌های تجربی در زمینه سبک زندگی در ایران نمایانگر این است که مطالعات فراوانی در این زمینه صورت گرفته است تا جایی که به گفته فاضلی (۱۳۸۲) گستردگی ابعاد و پیچیدگی موضوع موجب شده است که مرزهای محدودکننده این موضوع لغزنده و مبهم باشد و لذا برداشت‌های متفاوتی از این موضوع و قلمرو آن به وجود آید که در بررسی‌ها قابل مشاهده است.

مؤلفه‌های اصلی مدرنیته

مدرنیته با تأکید بر اومانیزم (انسان‌محوری)، با انکار نقش ساحت غیبی در هدایت و ارشاد انسان و اصالت بخشیدن به وجه ناسوتی وجود آدمی، به دلیل تقلیل ساخت وجودی او به نفسانیت مداری و حیوانیت، وی را به موجودی مفلوک، تنها، مضطرب، ستیزه‌جو و بی‌ریشه مبدل ساخته است و این ویژگی اصلی و مهم‌ترین شاخص مدرنیته است که با رنسانس ظهور کرده و در تمام تاریخ مدرنیته، در اشکال و صور مختلف تداوم یافته و موجب سیطره‌ی استیلاجویانه و ابزارری مابین آدمیان و غلبه‌ی نهیلیسم بر حیات بشر گردیده

است. از سوی دیگر، مدرنیسم با ترویج فردگرایی که بر اساس آن، هر موجود انسانی فی‌نفسه حائز ارزشی برین در حیات اجتماعی شمرده می‌شود، معتقد شد فرد بر جامعه برتری دارد و جامعه باید در خدمت فرد درآید و در شکوفایی وی یاری رساند. (حسینی، سیدجلال، ۱۳۸۷) این بینش، نتایجی چون خنثی شدن واقعیت‌های جهان از بار ارزشی نسبی شدن و فردی شدن و خودبنیاد شدن ارزش‌ها، بی‌طرفی و تکثرگرایی، شیوع ابتدال و انحطاط در روابط مابین آدمیان به‌ویژه روابط میان زن و مرد و کالایی شدن مناسبات انسانی را به دنبال داشت. از دیدگاه دیگر، مدرنیسم با اعتقاد به حس‌گرایی و اینکه دست‌یابی به معرفت و شناخت آن، تنها از طریق حس و تجربه امکان‌پذیر است سبب انکار ارزش‌های اخلاقی گردید و لذا نسبت‌گرایی از دل چنین تفکری زائیده شد. در مجموع مدرنیته با مبنا قرار دادن انسان در مقابل خدا و تأکید بر آزادی افسارگسیخته و از سویی مبارزه با سنت‌ها و هر عرف و عادت تحت عنوان امروزی و جدید بودن و نیز با تکیه بر عقل بشری منقطع از وحی و توجه به اصالت علم و تجربه و انکار ماورای آن، گامی نوین در جهت انحطاط بشری برداشت، زیرا با حذف خدا، دین و مذهب از زندگی بشر، به بهانه‌ی مبارزه با سنت، عملاً به نیازهای روحی و معنوی انسان بی‌توجهی کرده و بشر نیازمند به معنویت را با احساس خلأ و بحران مواجه نمود. (حسینی، سیدجلال، ۱۳۸۷)

سبک زندگی

سبک زندگی یکی از مفاهیمی است که در نیمه‌ی دوم قرن بیستم مورد توجه جامعه شناسان قرار گرفت. سبک زندگی را می‌توان به مجموعه‌ای از رفتارها تعبیر کرد که فرد آن‌ها را به کار می‌گیرد تا نه فقط نیازهای جاری او را برآورده سازند بلکه روایت خاصی را که وی برای هویت شخصی خود انتخاب کرده است در برابر دیگران مجسم سازد. (رحمت‌آبادی و آقابخشی، ۱۳۸۵: ۲۳۶) سبک زندگی به بیان ساده، شیوه‌ی زندگی است دال بر الگوهای فردی مطلوب از زندگی که جهان‌بینی، نگرش‌ها و ارزش‌ها، عادات، وسایل زندگی و همچنین الگوهای روابط اجتماعی، اوقات فراغت و مصرف را در برمی‌گیرد. سبک زندگی اغلب بیانگر چیزی است که شخص از طریق سبک زندگی به پیرامونش معرفی می‌کند، این بدان معنا است که سبک زندگی از طریق چهره‌ها (انتخاب لباس‌ها و رفتارها)، اعمال و کردارها (انتخاب فعالیت‌های فراغتی)، یا انتخاب وسایل زندگی و حتی انتخاب دوستان بیان می‌شود (گیبیتز و بوریمر، ۱۳۸۱: ۱۰۴).

ضعف فرهنگ‌های محلی و ترویج عرفی‌گری

ضعف فرهنگ‌های محلی و منطقه‌ای در مقابل امکانات وسیع فرهنگ غربی امکان خودنمایی ندارند و سرعت تحولات، فرصت تأمل و اندیشیدن را از این فرهنگ‌ها گرفته است. ورود بی‌رویه‌ی فرهنگ و ارزش‌های غربی در جوامع توسعه‌نیافته، به تشدید دوگانگی ارزشی و تشدید از خودبیگانگی و اختلال‌های هویتی می‌انجامد. تحت تأثیر جهانی‌شدن و گسترش شرایط و تحولات آن در جهان اسلامی، شاهد کاهش تدریجی موقعیت فرانهادی دین و عصری شدن یا دریافت دنیوی از دین هستیم. به اعتقاد طرفداران جهانی‌شدن و مدرنیزاسیون، حذف سنت و محور جامعه سنتی، مقدمه‌ی هر نوع حرکت به سمت جامعه مدرن و توسعه است. از دید آن‌ها، لازمه‌ی تحول جامعه سنتی و مدرن شدن آن، جایگزینی دنیاگرایی، عقل‌گرایی و عرفی‌گرایی به جای آخرت‌گرایی، مابعدالطبیعه‌گرایی، ادغام دین و سیاست است. به اعتقاد متفکران عصر روشنگری، دین مانع توسعه و نمادی از ارتجاع اجتماعی و امری غیراختیاری و غیرآزادانه است. (گلستانی، ۱۳۸۷) در ایران نیز سکولارهای جامعه ما معتقدند با تمسک به آموزه‌های مذهب نمی‌توان به توسعه دست‌یافت و بر مبنای همین نگرش، جریان‌های اصول‌گرایی اسلامی را به کهنه‌پرستی متهم می‌کنند. در نتیجه توصیه‌ی جهانی‌شدن و سکولارها، بسیاری از جوامع اسلامی در فرایند توسعه از الگوی تقلیدی غرب پیروی کردند، اما به سبب ناهمگونی این الگو با مناسبات اجتماعی و فرهنگی‌شان به هدف خویش دست نیافته‌اند، بلکه به علت پیروی کورکورانه از مدل‌های عرفی و سکولار غرب، هویت دینی و فرهنگی آن‌ها مخدوش گردیده و دچار آسیب‌های فراوان اجتماعی شده‌اند. این کشورها با وجود اینکه به عرفی شدن دین مدد رسانده و موقعیت فرانهادی دین را تضعیف کرده و آن را به حاشیه‌ی زندگی اجتماعی رانده‌اند، امروزه از سوی همان کشورهایی که صادرکننده‌ی الگوی یادشده به جهان اسلام هستند، جوامع توسعه‌نیافته، در حال توسعه یا جهان سوم شناخته می‌شوند. در حالی که فرض و قرار بر این بود که در صورت تقلید از فرهنگ و تمدن غربی و حضور بلندمدت غرب در این کشورها باید در طی مدت طولانی حضور غرب در جهان اسلام به سطح عالی پیشرفت می‌رسیدند (گلستانی، ۱۳۷۸).

تهاجم رسانه‌ای

هدف رسانه تغییر رفتار است. در همه‌ی رسانه‌ها وضعیت به همین صورت است. در بعد سیاسی، تبلیغات نامزدها در پی تغییر رفتار ما در قالب رأی است، در بعد اقتصاد مخاطب قانع می‌شود تا کالای موردنظر را بخرد. مطبوعات در ایران پیشرفته‌تر عمل کرده‌اند. کشور ما دروازه‌ی ارتباط شرق و غرب است. با ورود روزنامه‌ها، مردم ایران سبک زندگی دیگری را انتخاب کردند. انقلاب‌ها، تحولات سیاسی، انقلاب اسلامی، ادبا و شخصیت‌هایی که به وجود آمدند، معلول رسانه‌ها بودند. در هجوم جدید ماهواره به جامعه ایرانی، ابتدا از طریق ترانه و آواز اقداماتی انجام شد و سپس از طریق ساخت سریال‌های قوی سعی کردند حجاب و حیا را بردارند. آن‌ها به نحوی مستمر کار می‌کنند و اولین حاصل کار آن‌ها این بود که کتاب را از زندگی مردم حذف کردند. سپس نشست‌های خانوادگی که در آن تبادل اطلاعات انجام می‌شد، در زندگی مردم کم‌رنگ شد و رسانه‌های تک‌بعدی جایگزین آن‌ها شدند. هانتینگتون جنگ تمدن‌ها را مطرح کرد و گفت آمریکا نمی‌تواند در جهان قدرت برتر باشد، مگر اینکه فرهنگ خود را به کشورهای جهان گسترش بدهد. در میان کشورها، یک دسته فرهنگ آمریکا را می‌پذیرند و عده‌ای نیز در برابر آن مقاومت می‌کنند. با این مقاومت جنگ شروع می‌شود. تأثیر منفی دیگر رسانه‌ها بر قشر جوان، تلقین زندگی مبتنی بر رفاه‌طلبی و پول‌پرستی است، درحالی که فرهنگ ما مبتنی بر تلاش و سخت‌کوشی است که برای دستیابی به رفاه موانع را کنار می‌زند. اصالت فرهنگ کشورهای تونس، مصر و یمن با هجوم غرب، از بین رفت. در نتیجه، جهانی‌شدن چالشی را برای فرهنگ و هویت اسلامی ایجاد می‌کند. صنایع فرهنگی جهانی در حال تضعیف شکل‌های سنتی پیدایش و توزیع فرهنگ هستند. بازار جهانی در حال تولید یک تمدن فرامرزی است که در آن تلاقی و هم‌گرایی طعم‌ها و سلیقه‌های مصرف‌کننده مورد توجه است.

۳. روش پژوهش

تحقیق حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی و موردی است که تمرکز آن بر نظام خانواده بلوچ می‌باشد. این مقاله وضع موجود را به‌طور کلی بررسی و به توصیف آن می‌پردازد. لازم به ذکر است که روش کتابخانه‌ای جهت بررسی متون و محتوای مطالب به کاررفته

تأثیر مدرنیته در تغییر سبک زندگی خانواده‌های بلوچ

شده بیشتر متکی بر مقالات علمی می‌باشد. در این تحقیق همچنین از روش میدانی نظیر مشاهدات و تجربیات نگارنده، گفت‌وگو با تعدادی از بانوان دانشگاهی و بزرگان مذهبی و پرسشنامه استفاده شده است. پرسشنامه‌ای که مورداستفاده قرار گرفته با دوازده سؤال تنظیم شده که بین صد و پنجاه نفر از خانه‌داران، دانشجویان، کارمندان ارگان‌های مختلف دولتی و خصوصی و برخی از نخبگان بلوچ در سال ۱۳۹۸ توزیع گردیده که نودوهفت نفر به این پرسشنامه پاسخ داده‌اند.

۴. تحلیل

رویکرد اسلامی به هویت در عصر جهانی شدن

بی‌شک مبانی قومی و پیشینه تاریخی و نیز وحدت سرزمین، حکومت، آداب و رسوم و باورهای مشترک و ملی در ایجاد همبستگی عمومی و هویت ملی نقشی انکارناپذیر دارند و بنابراین، هدف از طرح مبانی دینی در این زمینه، هرگز به معنای انکار آن‌ها نیست. در کشوری نظیر ایران با سابقه تاریخی طولانی و با وجود تنوع قومی، زبانی، ناحیه‌ای و غیره، آیا این عوامل قومی و تاریخی بوده‌اند که تاکنون موجب بقای این کشور در نقشه سیاسی جهان شده‌اند یا عامل مهم‌تری در این زمینه مؤثر بوده است؟ بی‌تردید، حس وطن‌دوستی و اعتقاد به پیشینه تاریخی مشترک و آداب و رسوم و سرزمین واحد نقشی انکارناپذیر داشته و در شکل‌گیری هویت ملی مؤثر بوده‌اند، اما مطالعه تاریخ پرفرازونشیب کشور نشان می‌دهد که عوامل فوق همواره نقشی حداقلی داشته و مردم ایران در شکست‌ها و پیروزی‌ها چندان به این مبانی هویت ملی متوسل نشده‌اند. (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶) در حالی که اسلام و تعالیم آسمانی آن در طول تاریخ همواره اقوام ترک، کرد، بلوچ، آذری، عرب، گیلانی و مازندرانی و لر را با وجود تفاوت‌های فراوان قومی و نژادی و فرهنگی و سیاسی، به‌مثابه مبنایی قابل‌اطمینان و ریسمانی محکم به یکدیگر پیوند زده و هویتی ایرانی-اسلامی را پدید آورده است. در هر نهضت ضداستبدادی و ضد استعماری، نه در ایران، بلکه در همه کشورهای دنیا، دین و آموزه‌های دینی آن‌چنان همبستگی و وحدتی میان مردم پدید آورده است که نظیری برای آن نمی‌توان یافت، همبستگی و وحدتی که بر اساس اعتقادات دینی پدید آید و مبنای تشکیل نظام سیاسی باشد، منبعی غنی و قابل‌اتکا و استراتژیک برای حفظ استقلال و امنیت ملی و تمامیت

ارضی برای آن کشور است و مسلماً نیروهای معتقد به باورهای دینی و مفاهیمی مانند «جهاد و شهادت» در مقایسه با نیروهای فاقد باورهای دینی، از کارایی و نقش بیشتر و بهتری در صحنه‌های جنگ و دفاع برخوردار خواهند بود. (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶)

ورود مدرنیته به جامعه بلوچ

اگرچه به‌سختی می‌توان به‌طور دقیق از تأثیرگذاری مدرنیته^۱ به ایران سخن گفت، اما تأثیرگذاری مدرنیته بر جامعه بلوچ را می‌توان نسبتاً از تحولات اخیر برشمرد. تفکر مدرن به‌مرور زمان وارد ایران شد. این تفکر را می‌توان در دوران قاجاریه جست‌وجو کرد. افرادی نظیر عباس میرزا و امیرکبیر در سلسله قاجار اندیشه‌ی مدرنیته در ایران را در ذهن خود می‌پروراندند،^۲ و در این خصوص دست به فعالیت‌های گوناگونی زدند. در عصر پهلوی نیز گفتمان‌های جدیدی مطرح می‌گردید که البته این گفتمان‌ها به‌اندازه‌ای که در جوامع بزرگ ایران مطرح می‌شد در جامعه بلوچ مجال رشد پیدا نمی‌کرد و یا اگر نشانه‌ای از گفتمان مدرن پیدا می‌شد به‌صورت بسیار محدود ارائه می‌گردید. بنابراین، در بلوچستان مفاهیم و نشانه‌های مدرنیته با تأخیر ورود پیدا نموده و حتی در مواردی هنوز بعضی از ارزش‌های مدرن برای بسیاری جنبه‌ی جدید یا بیگانه دارد.

اما با این حال، نخستین ریشه‌ی جریان یا ارزش‌های مدرن را می‌توان پس از روی کار آمدن حکومت پهلوی از طریق افرادی که به شکل کارکنان دولتی و یا اشخاصی که برای تجارت و بازرگانی وارد بلوچستان می‌شدند یافت. بعدها با راه‌اندازی مطبوعات و تأسیس ارگان‌های دولتی و مدارس جدید، هرچند کم، مدرنیته به‌تدریج به بلوچستان ورود پیدا کرد اما در آن زمان به‌طور کلی از تأثیرگذاری مدرنیته خبری نبود. ناصر عسگری در این خصوص می‌نویسد: «مأموران و کارمندانی که بعد از روی کار آمدن رضاشاه به بلوچستان می‌آمدند کسانی بودند که در شرایط اجتماعی متضاد با شرایط اجتماعی بلوچستان زندگی می‌کردند و تحت تأثیر همان شرایط خاص اجتماعی افکار خاصی داشتند که با افکار و عقاید و سنت‌های بلوچ‌ها فرق می‌کرد. فرهنگ کارمندان

^۱ یورگن هابرماس فیلسوف مدافع مدرنیته بر این باور است که مدرنیته پروژه‌ای ناتمام است و هنوز به آخر نرسیده است. بر این اساس به شکل کلی منظور از مدرنیته در این مقاله جامعه مدرن می‌باشد.

^۲ برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: ایران و مدرنیته، رامین جهانگلو (نشر گفتار، ۱۳۷۹).

تأثیر مدرنیته در تغییر سبک زندگی خانواده‌های بلوچ

تازه‌وارد شباهتی به فرهنگ بلوچ نداشت. کارمندان دولتی با افکار تازه آشنایی داشتند، در صورتی که بلوچ‌ها در فرهنگ خود باقی‌مانده بودند». (عسگری، ۱۳۵۷: ۱۱۷)

با گسترش روابط بیشتر با مرکز، در دوره پهلوی دوم، تأثیر مدرنیته بر بلوچستان نسبتاً بیش از پیش نمایان شد. سپس با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و خصوصاً از دهه‌ی سوم انقلاب به بعد که تغییر و تحولاتی در علم و تکنولوژی ارتباطات بوجود آمد به تدریج زمینه‌ای برای دیدگاه‌ها و مفاهیم جدید مهیا گردید. این دیدگاه‌ها و مفاهیم از یک طرف موجب شکل‌گیری فردگرایی شده و از طرف دیگر باعث صدمه زدن به بافت سنتی نظام خانواده شده است. شاید بتوان این‌گونه ادعا کرد که از ده سال اخیر بر سرعت تأثیرگذاری مدرنیته در بین خانواده‌های بلوچ به تدریج افزوده شده است و این‌طور پیداست که هر چه اعضای خانواده بلوچ، دارای تحصیلات دانشگاهی بالاتری باشند، نسبت به ارزش‌ها و نهادهای فرهنگی مدرن گرایش بیشتری از خود نشان می‌دهند و دارای سبک زندگی مدرن‌تر و گرایش‌های سنتی ضعیف‌تری می‌گردند.

تقابل سنت و مدرنیته در خانواده بلوچ

در خصوص ایران قرن نوزده، ما بیشتر متکی به اطلاعات پژوهشگران غربی هستیم. «از مجموعه اطلاعاتی که آنان در اختیار ما گذاشته‌اند این‌طور می‌توان عنوان کرد که بین نصف تا یک‌سوم جمعیت کشور صحرانشین بوده و در قالب ده‌ها ایل و طایفه بزرگ و کوچک در مناطق مختلف پراکنده بوده‌اند. هشتاد درصد جمعیت اسکان‌یافته ایران در ابتدای قرن نوزدهم در بیست هزار روستا پراکنده بوده که متوسط جمعیت آن در حدود چهارصد نفر بوده است. اولین و مهم‌ترین نتیجه‌گیری که از آن مقطع می‌توان به دست آورد این است که اساس و ستون فقرات ایران متکی به کشاورزی و دامداری یا اقتصاد شبانی بوده است». (Bahrier, 1971:4-5) و طبیعتاً ارزش‌ها و آموزه‌های سنتی بر جامعه ایرانی حاکم بوده‌اند. در نتیجه، اوضاع و احوال منطقه‌ی جنوب شرقی کشور که بخشی از آن بلوچستان است مستثنا نبوده و بلکه حتی در مواردی شدت ارزش‌ها و آموزه‌های سنتی آن به مراتب بیشتر از مناطق دیگر ایران بوده است. «البته نظم‌های سنتی حاکم بر هر یک از مناطق کشور با یکدیگر تفاوت‌هایی داشته‌اند اما وجوه مشترکشان نیز کم نبوده است. به لحاظ بنیادی، همه‌ی آن‌ها در محدوده‌ی سنت قرار داشته‌اند و هر کدام از مناطق کشور با توجه به اقتضائات آن منطقه، به شکل خاصی جلوه‌گر شده بودند». (سیاسر،

۶۵:۱۳۹۴) از این رو، نظام خانواده در منطقه‌ی بلوچستان بر مبنای کشاورزی و دامداری و از نوع سنتی مذهبی بوده است. صرف نظر از تقسیم‌بندی‌های جغرافیایی و سیاسی، تمام منطقه بلوچستان که امروز در محدوده ایران، پاکستان و افغانستان واقع شده را به عنوان یک جامعه‌ی سنتی و محدود^۱ می‌شناسند. با این وجود، این طور به نظر می‌رسد که وضعیت در منطقه‌ی بلوچستان ایران مناسب‌تر از جوامع بلوچ پاکستان و افغانستان است. به طور نمونه، بسیاری از خانواده‌های بلوچ در بخش بلوچستان پاکستان و افغانستان هنوز به صورت گسترده زندگی می‌کنند،^۲ در حالی که تعداد قابل توجهی از خانواده‌های بلوچ ایرانی خصوصاً از دهه‌ی سوم به بعد از انقلاب اسلامی به شکل هسته‌ای زندگی می‌کنند و یا به سرعت به این سبک زندگی گرایش پیدا می‌نمایند که این مسئله خود یکی از نشانه‌های مدرنیته بشمار می‌رود. با این حال نسبت به جوامع مدرن ایران، در بلوچستان مدرنیته تقریباً یک پدیده جدید بشمار می‌رود، چرا که در این منطقه حفظ آداب و رسوم سنتی و مذهبی بر نهاد خانواده بلوچ کم‌ویش همچنان پابرجاست. به سخن دیگر، چنانچه خانواده‌های این منطقه را به سه گروه سنتی، نیمه مدرن و مدرن تقسیم‌بندی نمائیم، شدت ارزش‌های مدرن را بیشتر در خانواده‌های مدرن و نیمه مدرن و کمتر در خانواده‌های سنتی می‌توان یافت.

لازم به ذکر است «اگرچه که سنت‌ها و آداب و رسوم این منطقه تحت تأثیر فرهنگ فارس و مدرنیته قرار گرفته و به تدریج آداب و رسوم بلوچی در حال محو شدن هستند، اما مدرنیته تا به حال نتوانسته است ارزش‌های مذهبی مردم این منطقه را تحت تأثیر قرار دهد. دلیل آن را می‌توان در ساختار سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران دانست که ترویج‌دهنده ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی بوده است.» (طاهری، ۱۳۹۵: ۵۰)

با تأسیس مدارس و مراکز فرهنگی و آموزشی، خصوصاً از دهه‌ی سوم انقلاب اسلامی به بعد که تعداد قابل توجهی از متقاضیان تحصیلی در دانشگاه‌ها جذب شدند، جامعه سنتی به لحاظ اجتماعی و فرهنگی دچار تغییر و تحول شده است. با توجه به ماهیت انقلاب اسلامی و فضای حاکم بر منطقه بلوچستان که بافت سنتی و مذهبی داشته

^۱ Parochial.

^۲ خانواده گسترده به خانواده‌ای گفته می‌شود که علاوه بر اعضای اصلی یا هسته‌ای خویشاوندان نزدیک یا درجه یک با هم در یک مکان زندگی می‌کنند.

تأثیر مدرنیته در تغییر سبک زندگی خانواده‌های بلوچ

و احیاکننده و تحکیم‌بخش اعتقادات و ارزش‌های اسلامی بوده، نهاد خانواده به تأسی از آموزه‌های دینی از ثبات نسبتاً خوبی برخوردار است و به همین علت مدرنیته هنوز نتوانسته در این منطقه برای مذهب یک چالش جدی به حساب بیاید. اما همان‌طور که پیشتر نیز اشاره شد جریان مدرنیته را نمی‌توان نادیده گرفت، زیرا که امروزه برخی از ارزش‌های سنتی و مدرن در مقابل هم قرار گرفته‌اند و گاهاً بحران‌ساز شده‌اند.

این‌گونه می‌توان ادعا کرد که تقریباً تا چند سال اخیر، ازدواج و تشکیل خانواده در این منطقه از جایگاه بسیار مقدسی برخوردار بوده است. اهمیت ازدواج به حدی بوده که زندگی مجردی از نگاه جامعه سنتی به‌عنوان یک نقص در نظر گرفته می‌شده و مجردان تحت فشارهای فرهنگی و اجتماعی حاکم به ازدواج روی می‌آوردند و باصطلاح هم‌رنگ جماعت می‌شدند. با وجود فقر و محرومیتی که بر این منطقه حاکم بوده، جوانان اکثراً پایبند به این ارزش و نهاد اجتماعی بودند و حتی فقر نمی‌توانست مانع ازدواج گردد. اما این تفکر به‌شدت گذشته بر ذهن نسل جوان امروزی جامعه سنتی بلوچ چندان حاکم نمی‌باشد و روز به روز پایه‌های چنین تفکری ضعیف‌تر می‌گردد.

قبل از ورود مدرنیته به بلوچستان، فعالیت زنان بلوچ محدود به خانه‌داری و تربیت فرزندان و فعالیت‌های عشایری بوده است. تقریباً همه‌ی وظایف مربوط به دام‌ها را زنان بر عهده داشته‌اند و حتی در زمان غیبت مردان چرخ خانوار عشایری لنگ نمی‌ماند.^۱ اما از دهه‌ی اخیر به بعد، به‌واسطه‌ی تأثیرات ارتباطات اینترنتی و تکنولوژی و جهانی شدن و آشنایی بیشتر به حق و حقوق قانونی، دختران و زنان بلوچ مخصوصاً قشر تحصیل‌کرده، فعالیت‌های خویش را محدود به خانه‌داری و بچه‌داری ننموده بلکه تعداد قابل توجهی از آنان در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی فعال می‌باشند. در عصر امروز، بسیاری از دختران در سنین پایین ازدواج نمی‌کنند و در تعیین همسر حق انتخاب دارند و در نتیجه در برنامه‌ریزی زندگی شخصی خود نقش به‌سزایی ایفا می‌کنند. این نوع گرایش در واقع خلاف ارزش‌های سنتی بوده که سال‌های سال بر جامعه بلوچ حاکم بوده است.

تا قبل از ورود مدرنیته به بلوچستان، اعضای خانواده به همراه اقوام نزدیک در یکجا

^۱ برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به: محمدابراهیم امین (۱۳۸۶)، نوشته‌ها (مجموعه مقالات) ۱۳۵۳-۱۳۵۸، انتشارات شرکت

سهامی بیمه البرز، ص ۳۹.

با هم زندگی می‌کردند و برای رسیدن به اهداف جمعی تلاش می‌نمودند و کمتر درگیر مسائلی می‌شدند که در خانواده‌های امروزی وجود دارد. اما پس از ورود مدرنیته، بسیاری از ارزش‌های اجتماعی دستخوش تغییر و تحول شدند. به‌عنوان مثال، ازدواج‌های غیرفامیلی یا غیر طایفه‌ای، ارتباطات مجازی، فرزندسالاری، تحصیلات و اشتغال بانوان، کاهش همبستگی طایفه‌ای و افزایش نسبی طلاق از جمله مواردی بشمار می‌روند که نسبتاً بیش از پیش رایج شده‌اند و آداب و رسوم و سنت‌های حاکم بر این منطقه را به تدریج مورد تهدید قرار می‌دهند.

تأثیرات مدرنیته بر خانواده بلوچ

مدرنیته تأثیرات مثبت و منفی بر سبک زندگی مردم داشته است، اما با توجه به نظرات طرفداران مدرنیزاسیون، این یک روند در حال جریان است و یک پدیده‌ی ضروری به نظر می‌آید. حتی «مقام معظم رهبری تجدد و نوگرایی حقیقی را، باز کردن میدان‌های تازه در زندگی دانسته و معتقدند: اساساً دین اسلام این رویکرد و نگرش در زندگی را از انسان‌ها خواسته است که راه‌دست یابی به آن را نیز «تأمل، تعمق، کار درست، کار فکری، تلاش عملی، مجاهدت، استقبال از کار و از خطر در همه‌ی میدان‌ها، و همت‌ها را بلند کردن به دست می‌آید» معرفی کرده است. از این رو، ایشان حتی از ورود رایانه در حوزه‌های علمیه ابراز خشنودی نموده و توصیه نموده‌اند باید در حوزه‌های علمیه افکار نو و تجدد در امور راه‌یافته و مدنظر قرار گیرد. البته مقام معظم رهبری در خصوص حد و حدود مد و نوگرایی، ضمن موافقت با اصل مد و نوگرایی، معتقدند «...آدم نباید اسیر مد باشد» بنابراین حد و حدودی بر مدگرایی قائل هستند. به‌عنوان مثال، ایشان در خصوص چگونگی مد برای زنان بیان کرده‌اند: «...مد؛ برای زن ارزش‌آفرین نیست، بی‌اعتنایی نسبت به مدهای دام‌گونه‌ی ساخته‌وپرداخته‌ی دشمنان، برای زن ارزش است. زن مسلمان، شخصیت خودش را پیدا کرده است. مواظب باشید این شخصیت را گم نکند.» (احمدی و ذوالفقاری، ۱۳۹۷: ۱۳۹-۱۴۰).

امروز با پیشرفت تکنولوژی و فضای مجازی که خود از نشانه‌های مدرنیته یا دنیای پسامدرن محسوب می‌شود، خواسته یا ناخواسته نهاد خانواده را مورد هدف قرار داده و این تأثیرگذاری هرچند که آهسته و به تدریج پیش می‌رود بیشتر در شهرها و کمتر در روستاها رواج پیدا کرده است. بنابراین، تأثیر تدریجی و روبه رشد ارزش‌های مدرن را در

تأثیر مدرنیته در تغییر سبک زندگی خانواده‌های بلوچ

جامعه بلوچ نمی‌توان نادیده گرفت، چراکه حتی با توجه به نقش آداب و رسوم سنتی که پایبندی به خانواده را تحکیم نموده اما در خانواده‌های بلوچ نیز شاهد بروز آسیب‌هایی هستیم که به واسطه‌ی ابزار مدرنیته باعث وجود اختلال ارتباطی در میان خانواده‌ها شده است. کاهش روابط بین اعضای خانواده، افزایش طلاق، افزایش سن ازدواج، تغییر در شیوه آداب و رسوم برگزاری ازدواج و مراسم عروسی، فردگرایی و دیگر مسائل اخلاقی از جمله مواردی به شمار می‌روند که به شرح ذیل به آن‌ها پرداخته می‌شود.

کاهش روابط بین اعضای خانواده: این‌طور به نظر می‌رسد که هر چه بیشتر ارتباطات مدرن چون شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی فراگیرتر شود جامعه بیشتر شاهد فاصله بین اعضای خانواده می‌گردد. خانواده‌های مدرن با این مسئله، خواه یا ناخواه، کنار آمده‌اند. این مسئله بیشتر در بین خانواده‌های سنتی مشکل‌ساز شده است، خانواده‌هایی که پذیرای ارزش‌های مدرن نیستند. امروزه اعضای خانواده به خاطر مسائل کاری و آموزشی و سرگرمی، مخصوصاً از زمان گسترش ویروس کرونا در دنیا، ساعت‌ها زمان صرف ارتباطات مجازی می‌کنند که این پدیده علاوه بر اینکه مرزها و محدودیت‌های ارتباطات را از بین برده، باعث شده که نگاه مردم به دنیا تغییر کند و به تدریج پذیرای چنین تغییر و تحولاتی باشند. یکی از مضرات این مسئله برای خانواده‌های سنتی این است که کمتر به نهاد خانواده توجه می‌شود. ارتباطات مجازی نه تنها ارزش‌های سنتی را تضعیف نموده بلکه ارتباطات واقعی را کاهش داده است. در چند سال اخیر، تأثیر فضای مجازی به حدی بوده که منجر به ضعف در گفت‌وگوی خانوادگی و یا به طرق مختلف زمینه‌ساز افزایش سوء تفاهم بین اعضای خانواده شده است. ارزش‌های نسل قدیم و ارزش‌های نسل جدید در نوعی تعارض علیه یکدیگر قرار گرفته‌اند. در بین خانواده‌های بلوچ، تکنولوژی فضای مجازی به همراه ارزش‌های مدرن به شدت در صدد حذف روابط و ارزش‌های سنتی بین اعضای خانواده شده و ارتباطات عاطفی در خانواده را کاهش داده است. این روند می‌تواند زمینه‌ی افت اخلاق سنتی و فروپاشی ساختار سنتی بسیاری از خانواده‌ها را فراهم نماید.

افزایش طلاق: طلاق را یکی دیگر از تأثیرات مدرنیسم بر خانواده می‌توان دانست که بسیاری از خانواده‌ها را درگیر نموده است. در آداب و رسوم و باورهای بلوچی، طلاق از منفورترین پدیده‌های اجتماعی به شمار می‌رود و در بدترین شرایط نخبگان سنتی و

بزرگان مذهبی سازش را بر طلاق توصیه نموده‌اند. به دلیل بافت قومی و مذهبی، بسیاری از اختلافات زناشویی در گذشته با وساطت بزرگان سنتی و مذهبی حل و فصل می‌شد. امروزه نیز نقش بزرگان سنتی و مذهبی در حل اختلافات زناشویی قابل توجه است. در نتیجه، کمترین آمار طلاق در کشور به منطقه بلوچستان اختصاص دارد و از این رو طبق گزارش‌های رسمی، کمترین آمار طلاق در کشور را مربوط به سیستان و بلوچستان می‌دانند.^۱ با این وجود، برخی از اختلافات زناشویی منجر به جدایی و طلاق گردیده و این طور به نظر می‌رسد که هر چه زمان بگذرد از نقش نخبگان سنتی و مذهبی در حل این مسئله به تدریج کاسته می‌شود. به درستی نمی‌توان دقیق تشخیص داد که تا چه حد موقعیت خانوادگی، تحصیلات و اشتغال زنان بلوچ در کاهش یا افزایش طلاق مؤثر بوده است. اما می‌توان ادعا نمود که در چند سال اخیر به علت گسترش تکنولوژی ارتباطات و تغییر تدریجی سبک زندگی از سنتی به مدرن، نهاد خانواده در جامعه بلوچ دستخوش تغییراتی شده که این تغییرات آمار طلاق را به میزان گذشته نسبتاً افزایش داده است.^۲ آمار و گزارش‌ها و مشاهدات حاکی از آن است که هر چه بیشتر به طرف یک جامعه مدرن پیش می‌رویم مسئله جدایی و طلاق بیشتر رواج پیدا می‌کند و به نوعی این مسئله در جامعه‌ی بلوچ ساختارشکنی شده است.

افزایش سن ازدواج: افزایش سن ازدواج را می‌توان به‌عنوان یکی دیگر از پیامدهای مدرنیته دانست. مدرنیته به هر حال امکانات رفاهی و آسایشی بیشتری را با خود به همراه می‌آورد و بنابراین ملاک‌های انتخاب همسر نیز بر پایه توجه به تأمین رفاه بیشتر و فراهم نمودن امکانات مدرن، شاخص گذاری می‌شود. به همین دلیل، مسکن مستقل و تمکن مالی بالا در رأس خواسته‌های خانواده‌ها قرار می‌گیرد و این مسئله خود یکی از دلایل بالا رفتن سن ازدواج محسوب می‌شود، چراکه بسیاری از جوانان بدون دسترسی به استانداردهای مدرنیته از قبیل مسکن مناسب و وضع مالی خوب با مشکل ازدواج

^۱ گزارش‌های رسمی متفاوتی در این خصوص وجود دارد که به دو مورد اشاره شده است. (۱) مصاحبه سرپرست اداره ثبت و احوال سیستان و بلوچستان (رضا راحت دهمرده) با باشگاه خبرنگاران جوان (کد خبر ۴۵۱۵۰۸۶ تاریخ انتشار ۲۷ مرداد ۱۳۹۲). (۲) مصاحبه رئیس کل دادگستری سیستان و بلوچستان (ابراهیم حمیدی) با خبرگزاری ایرنا- چابهار «آمار طلاق در سیستان و بلوچستان نسبت به سایر نقاط کشور پایین‌تر است»، (۹۶۷۰۵/۰۳).

^۲ احمدرضا طاهری، جامعه بلوچ ایران و توسعه: آنسوی مسئله (۱۳۹۹).

تأثیر مدرنیته در تغییر سبک زندگی خانواده‌های بلوچ

مواجه می‌شوند. تحصیل و اشتغال بانوان نیز یکی دیگر از اثرات مدرنیته بشمار می‌رود که این مسئله نیز به علل افزایش سن ازدواج کمک می‌کند. در طی چند سال اخیر، به‌طور کلی متوسط سن ازدواج در اکثر خانواده‌ها نسبت به گذشته افزایش یافته است. به‌عنوان مثال چنانچه در دهه‌ی چهل تعداد قابل توجهی از مردان بلوچ در سنین بین ۱۸ تا ۲۴ سال ازدواج می‌کردند، در دوره‌ی کنونی، سن ازدواج افزایش یافته و به سی تا چهل سال رسیده است. همچنین این درصد در بین دختران نیز صدق می‌کند. در یک بررسی از بین صد نفر مشخص شد که در دهه چهل اکثر دختران بلوچ زیر ۱۸ سال ازدواج کرده‌اند در حالی که در بررسی‌های جدید مشخص گردید که تعداد قابل توجهی از دختران بلوچ بالای سن ۲۰ سالگی ازدواج نموده‌اند. یافته‌های این تحقیق همچنین نشان می‌دهد که خصوصاً برای قشر تحصیل کرده‌ی امروزی ادامه تحصیل یا شغل برای بسیاری در اولویت قرار دارد.^۱ البته یافته‌های تحقیق محدود بوده و ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که حتی امروز نیز تعداد زیادی از دختران بلوچ در سن پایین ازدواج می‌کنند، اما تعداد این نوع نگرش‌ها در حال کاهش است و سن ازدواج در بین دختران نیز به نسبت افزایش یافته است.

تغییر در شیوه آداب و رسوم ازدواج: با مهاجرت به شهرهای بزرگ و آشنایی با فرهنگ‌های مختلف و یا ورود فرهنگ‌های مختلف ایرانی به منطقه بلوچستان که به‌واسطه تحصیلات یا اشتغال این جابجایی‌ها صورت می‌گیرد، برخی از ارزش‌های سنتی چون نحوه برگزاری مراسم ازدواج نیز شکل جدیدی به خود گرفته است. جوانان استقلال فکری بیشتری به دست آورده‌اند و این رویه سبک‌های سنتی ازدواج را تحت تأثیر قرار داده است. به‌عنوان مثال، در گذشته پروسه‌ی برگزاری ازدواج به این شکل بود که عمدتاً والدین و یا بزرگان طایفه پیشنهاد ازدواج را مطرح می‌نمودند و معمولاً بدون مخالفت فرزندان این جریان به ازدواج ختم می‌شد. در حالی که نسل امروزی خصوصاً آن‌هایی که تحصیلات دارند و یا مستقلانه زندگی می‌کنند در دانشگاه، محل کار و یا از طریق فضای مجازی با هم آشنا می‌شوند که این نوع روابط

^۱ گفتگو و مصاحبه با تعدادی از بانوان بلوچ (۱۳۹۸) که در دهه چهل و پنجاه ازدواج کرده‌اند. در این خصوص همچنین در آبان ماه ۱۳۹۸ پرسشنامه‌ای بین صد و پنجاه نفر توزیع گردید که نودوهفت نفر به سؤالات پاسخ داده‌اند.

گاهاً منجر به ازدواج می‌شود و در مواردی حتی نظر والدین نادیده گرفته می‌شود. از نحوه‌ی آشنایی جوانان که بگذریم، روند برگزاری مراسم ازدواج نیز مانند گذشته صورت نمی‌گیرد. برپایی مراسم ازدواج در خانواده‌های بلوچ بین هفت تا چهارده روزه طول می‌انجامد و تقریباً در هشت مرحله به اجرا درمی‌آید که به واسطه‌ی تغییر وضعیت اقتصادی این مراسم در بسیاری از مراسم‌های عروسی گاهاً به سه شبانه‌روز محدود شده و حتی در مواردی به یک یا دو روز کاهش یافته است. باین حال مراسم عروسی خانواده‌های بلوچ به صورت مطلق تحت تأثیر مدرنیته قرار نگرفته است. اما وضعیت اقتصادی مردم و تأثیرات مدرنیته از جمله تنوع فرهنگی در جامعه موجب شده که این مراسم دستخوش تغییراتی گردد و چرخش تدریجی به طرف ارزش‌های مدرن داشته باشد. به علاوه، برخلاف گذشته که تعدد زوجات در بلوچستان معمول بوده و بسیاری از مردان بلوچ بخصوص خوانین و علمای مذهبی و در مواردی آن‌هایی که دارای تمکن مالی بوده‌اند به چندهمسری روی می‌آوردند، در نسل جدید این مسئله دیگر به عنوان یک ارزش چندان مطرح نیست و نسبتاً جامعه بلوچ در دنیای امروز کمتر شاهد چندهمسری است.

فردگرایی: در اجتماعی که فردیت شخص شکل نگرفته، افراد از نظر روانی وابسته به دیگرانند. در چنین جمع توده‌واری احساسات و افکار و واکنش‌ها و سرنوشت افراد وابسته به یکدیگر و منبعث از مفاهیم مبهمی از قبیل «نظر جمع» یا رسم و رسوم و سنت‌هاست، افراد نه تنها تشویق نمی‌شوند که از خود نظری داشته باشند بلکه اغلب فقط آنگاه تأیید می‌شوند که به نظر جمع اقتدا کنند و هم‌رنگ جماعت باشند. در چنین جوامعی حتی در مواردی کاملاً شخصی و فردی نظیر انتخاب رشته دانشگاهی یا همسر و محل سکونت نیز تصمیمات به صلاح‌دید خانواده یا دستور بزرگان گرفته می‌شود. در چنین جمعی افراد از نظر احساس و اندیشه می‌توانند کاملاً وابسته به یکدیگر باقی بمانند و نسل به نسل خوشبختی و استقلال خود را به بهای جلب محبت و رضایت اطرافیان فدا کنند.^۱ فردگرایی در منطقه‌ی بلوچستان تقریباً به عنوان یک پدیده‌ی تازه در حال شکل‌گیری است. در مقایسه با خانواده‌های مدرن ایرانی، فردگرایی هنوز

^۱ در جست‌وجوی «فردیت»، گمشده جوامع سنتی:

<http://www.bbc.co.uk/blogs/legacy/persian/viewpoints/2013/06/post-596.html>

تأثیر مدرنیته در تغییر سبک زندگی خانواده‌های بلوچ

به‌طور چشمگیری در خانواده‌ی بلوچ به وقوع نپیوسته و اعضای یک خانواده به جهات مختلف بیشتر وابسته به یکدیگر هستند و رسم و رسوم و سنت‌ها در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی هنوز تأثیرگذارند و معمولاً به نظر جمع احترام گذاشته می‌شود. اما نفوذ تدریجی فردگرایی را نمی‌توان نادیده گرفت و این روند یا تفکر در نسل جوان، هرچند کم، رو به رشد است. به‌عبارت‌دیگر، خانواده بلوچ دوره‌ی ورود به فردگرایی را آغاز نموده و به علت جدید بودن این جریان و همچنین نفوذ قوانین سنتی خانواده بلوچ با چالش‌های بسیاری مواجه خواهد شد، مگر اینکه شرایط وفق‌پذیری توسط خانواده‌ها طوری فراهم گردد که با چالش‌های جدی روبرو نگردند.

اخلاقیات: در جامعه سنتی، اخلاق جزو دین و مبتنی بر آن بوده است، یعنی دین هم منشأ تولید دستورات اخلاقی و هم ملاک صدق و کذب قضایای اخلاقی بوده است، اما به‌مرورزمان و به‌موازات پیشرفت جوامع بشری و شکل‌گیری فلسفه مدرن، کم‌کم اخلاق از تحت سلطه مطلق دین، خارج و به یک نظام مستقل تبدیل شده است. باتامور این واقعیت را چنین توصیف می‌کند: «در آغاز، دین و اخلاق با هم ارتباط نزدیکی داشتند. اما مطالعات در مورد جوامع جدید نشان می‌دهد که کارکرد جدایی بین دین و اخلاق، یکی از جنبه‌های تغییرات فرهنگی قرن گذشته است. هم‌اکنون جهت‌گیری که تمایز آشکاری میان قواعد اخلاقی و مراسم دینی به وجود آمده و هم‌اکنون جهت‌گیری که با زوال اعتقادات دینی، پیدا کردن شالوده و محتوای نوین برای قواعد اخلاقی، ضرورت پیدا کرده است. این جدایی، بیشتر در این مسئله متجلی شده که دین، بیشتر به‌صورت یک مسئله‌ی فردی و خصوصی درآمده است. در صورتی که اخلاق از این نظر که روزه‌روز به عدالت اجتماعی، بیشتر از فضیلت فردی، توجه می‌کند، اجتماعی‌تر شده است.» (باتومور، ۱۳۷۰: ۲۸۱) اخلاقیات هر فرد و جامعه مجموعه‌ای از خوب‌ها و بدها و یا پسندها و ناپسندها می‌باشند که مورد قبول آن فرد یا جامعه است. یعنی اخلاقی بودن هر عمل به آن است که آن عمل نیکو شمرده شود و غیراخلاقی بودن آن نیز به اینکه آن عمل زشت و قبیح است. یعنی طبیعتاً هر جامعه‌ای یک زیباشناسی، نظام ارزشی و نظام تجزیه و تحلیل دارد که متناسب با آن برای امور ارزش‌گذاری می‌کند و اخلاقی بودن

یک فعل در جامعه متناسب با نظام زیباشناسی آن جامعه تبیین می‌شود.^۱ اما با روند رو به رشد مدرنیته، مفهوم اخلاق تحت تأثیر این پدیده قرار گرفته و تعاریف گوناگونی از اخلاق مطرح می‌گردد که بسیاری از این تعاریف در تضاد با مجموعه‌ای از پسندها و ناپسندهای مورد قبول یک جامعه سنتی قرار می‌گیرد. در مدرنیته با توجه به تغییر بنیادین که در بینش و گرایش انسان رخ می‌دهد، نوع نگرش به مسائل اخلاقی هم تغییر می‌کند و از گرایش سنتی و مذهبی خارج می‌شود. توسعه و پیشرفت انسان منجر شده به جهانی شدن، رشد تجارت، ایده‌ها، رسانه‌ها، برنامه‌های سرگرمی، اینترنت، تکنولوژی ارتباطات، کانال‌های ارتباطی مجازی که مرزها و محدودیت‌ها را از بین برده و به نوعی در صدد ایجاد کردن یک فرهنگ بین‌المللی یا یک اخلاق جهانی شده است. این روند برای بسیاری از خانواده‌هایی که اساس سنتی و مذهبی دارند، نوعی تهاجم فرهنگی محسوب می‌شود. بنابراین، به واسطه‌ی مدرنیته و جهانی شدن ارزش‌ها و اخلاقیات متفاوت از تعاریفی ارائه می‌شوند که در یک جامعه سنتی یا مذهبی سالیان سال حاکم بوده‌اند. در جامعه بلوچستان اخلاق جزو دین و سنت است. آموزه‌های اسلامی و ارزش‌های سنتی منشأ تولید دستورات اخلاقی بشمار می‌روند. گسترش ارتباطات و تکنولوژی و فضای مجازی تاکنون نتوانسته اخلاقیات را از تحت سلطه دین خارج سازد و آن را به یک نظام مستقل تبدیل کند. در خانواده‌های سنتی بلوچ، آموزه‌های اسلامی و سنتی و اخلاقیات با هم ارتباط نزدیکی دارند و بنابراین دین در جامعه بلوچ هنوز به صورت یک مسئله‌ی فردی و خصوصی درنیامده است، بلکه یک مسئله‌ی کاملاً اجتماعی محسوب می‌شود. با این وجود، با روند رو به رشد مدرنیته، مفهوم اخلاق تا حدودی تحت تأثیر این پدیده قرار گرفته و گاهاً تعاریفی از اخلاق مطرح می‌گردد که بعضی از این تعاریف در تضاد با دین و سنت‌های بلوچی هستند. این مسئله خصوصاً در بین نسل جوان باعث شده که نگرش‌ها شکل مدرن به خود گیرد و به واسطه‌ی برنامه‌های سرگرمی، اینترنت، تکنولوژی ارتباطات و کانال‌های ارتباطی فرهنگی بین‌المللی بر فرهنگ محلی تأثیر بگذارد. این روند در نگاه نخبگان مذهبی بلوچ نوعی تهاجم فرهنگی محسوب می‌شود. از این رو، گاهاً ارزش‌ها و اخلاقیات متفاوت از

^۱ محمد عالم زاده نوری، انسان، تربیت و روانشناسی اخلاق (بگانه حوزه، ۱۳۸۷، ش ۲۳۹).

تأثیر مدرنیته در تغییر سبک زندگی خانواده‌های بلوچ

تعاریفی ارائه می‌شوند که در یک جامعه‌ی بلوچ سالیان سال حاکم بوده‌اند. این روند موجب بروز مسائلی در جامعه بلوچ شده که آن‌ها را غیراخلاقی و یا بانی تضعیف اعتقادات دینی و سنتی توصیف می‌کنند.



۵. نتیجه‌گیری

تغییر سبک زندگی تدریجی از سنتی به مدرن مشکلاتی را به همراه دارد و این مشکلات زمانی برجسته می‌شوند که خانواده‌ها در مقابل روند مدرنیته قرار می‌گیرند. اگرچه که مدرنیته همراه با تأثیرات مثبت بوده است، اما پیامدهای منفی آن را برای خانواده‌هایی که پایبند به ارزش‌های سنتی هستند نمی‌توان نادیده گرفت. در مقایسه با مناطق دیگر کشور خصوصاً شهرهای بزرگ، مدرنیته با تأخیر وارد بلوچستان شده و طبیعتاً چون با تأخیر ورود پیدا کرده نظام خانواده چندان دچار چالش‌های اساسی نشده است. اما روند مدرنیته یک جریان رو به رشد است و به تدریج ارزش‌های سنتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

به عبارت دیگر، جامعه‌ی بلوچ در مرحله ابتدایی گذار از سنت به مدرنیته قرار دارد ولی نکته‌ای که نباید از آن غافل ماند این است که در این پروسه، خانواده‌های سنتی با بحران‌های فرهنگی و اجتماعی دست‌به‌گریبان می‌شوند. این پدیده به‌خصوص خانواده‌های سنتی و مذهبی را بیشتر با مشکل مواجه می‌کند. برای مقابله با روند مدرنیته توصیه‌ها و پیشنهادهای مختلفی مطرح شده که اکثر پژوهش‌های داخلی به ارزش گذاشتن و اهمیت دادن آموزه‌های اسلامی تأکید ویژه نموده‌اند. در این یافته‌ها، به نقش نهادهایی چون خانواده و مراکز آموزشی و مذهبی پرداخته شده است. اما علاوه بر توصیه‌های فوق‌الذکر آنچه به نظر نگارنده حائز اهمیت است این است که مدرنیته جریانی است که به‌شدت در حال تأثیرگذاری بر نظام خانواده در بلوچستان می‌باشد و صرفاً با ابزار سنت یا رویکرد سنتی نمی‌توان با آن مقابله نمود، چراکه نه آموزه‌های مردسالارانه با تحولات ایجادشده امروزی سنخیت دارد و نه اینکه زنان امروزی حاضر به پذیرش آن‌ها هستند. در گذر از سنت به مدرنیته بعضی از ارزش‌های سنتی به تدریج و به‌ناچار تضعیف می‌شوند. برای این ارزش‌ها دیگر نمی‌توان جایگزین‌های سنتی پیدا کرد. بنابراین، دیر یا زود، می‌بایست از جایگزین‌های ارزشی مدرن استفاده شود که البته می‌بایست هم‌جهت با ارزش‌های جامعه باشند. در این گذر فرهنگی اگر خانواده نتواند شرایط وفق دادن خود را با تغییرات جدید فراهم نماید، موج مدرنیته ارزش‌های خود را بر خانواده دیکته می‌کند. گذشته از آن، تکنولوژی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر فرهنگ بومی دارد. تکنولوژی همیشه از فرهنگ بومی جلوتر است و اغلب زمان می‌برد تا فرهنگ بومی بتواند راه‌حل‌ها و روش‌هایی که توسط تکنولوژی ارائه می‌گردد را بپذیرد، چراکه تکنولوژی یک پدیده جهانی (فراگیر) است اما فرهنگ یک پدیده محلی می‌باشد. به همین علت، بسیاری از مشکلات فرهنگی که با کمک تکنولوژی قابل حل هستند، فرهنگ نمی‌تواند بلافاصله بپذیرد آن‌ها باشد. اما درنهایت فرهنگ چاره‌ای ندارد جز اینکه آهسته و به تدریج از دستاوردها و راه‌حل‌های تکنولوژی جهت اصلاح خود استقبال نماید. اما مهم آن است که تکنولوژی و مدرنیته را باید بتوان با بافت فرهنگی جامعه تطبیق داد.

تأثیر مدرنیته در تغییر سبک زندگی خانواده‌های بلوچ

منابع

- احمدی، ابوالفضل، ذوالفقاری، ابوالفضل (۱۳۹۷)، سبک زندگی اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، دوره ۱۴، شماره ۳۹، تابستان، ۱۴۰-۱۳۹.
- العبدالخانی، ساجده (۱۳۹۷)، واکاوی آسیب‌ها و پیامدهای منفی مدرنیته در ساختار خانواده مسلمان، پژوهش‌های معنوی.
- امامی اردستانی، پرویز، هاشمیان فر، سید علی، حقیقتیان، منصور (۱۳۹۷)، تبیین رابطه مدرنیته و خانواده گرایی در شهر اصفهان، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره پنجم، شماره ۱۱.
- امین، محمدابراهیم، نوشته‌ها (۱۳۸۶)، (مجموعه مقالات ۱۳۵۳-۱۳۵۸)، انتشارات شرکت سهامی بیمه البرز.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶)، فرهنگ و هویت ایرانی و جهانی‌شدن، تهران، تمدن ایرانی، چاپ اول
- باتومور، تی. بی (۱۳۷۰)، جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی سید حسین کلجاهی و سید حسن منصور، تهران، امیرکبیر.
- پرسشنامه (۱۳۹۸)، بین صد و پنجاه نفر توزیع گردید که نودوهفت نفر به سؤالات پاسخ داده‌اند.
- جهانگللو، رامین (۱۳۷۹)، ایران و مدرنیته، تهران، نشر گفتار.
- جوکار، محبوبه (۱۳۹۱)، گذری کوتاه بر تأثیر مدرنیسم بر خانواده با تأکید بر خانواده ایرانی، کتاب اندیشه‌های راهبردی، زن و خانواده.
- جوکار، محبوبه، صفورایی پاریزی، محمدمهدی (۱۳۹۳)، مدرنیته، تغییر سبک زندگی و کاهش جمعیت در ایران، پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، سال دوم، شماره دوم.
- حسینی، سیدجلال (۱۳۸۷)، پایان جهان مدرنیته یا...، انتشارات زمزم هدایت، صص ۲۵-۴۲
- حمیدی، ابراهیم (۱۳۹۶)، آمار طلاق در سیستان و بلوچستان نسبت به سایر نقاط کشور پایین تر است، چابهار، مصاحبه رئیس کل دادگستری سیستان و بلوچستان با خبرگزاری ایرنا.
- راحت دهمرده، رضا (۱۳۹۲)، مصاحبه سرپرست اداره ثبت و احوال سیستان و بلوچستان با باشگاه خبرنگاران جوان، کد خبر ۴۵۱۵۰۸۶.

- رضاییان، عالی، ادریسی، افسانه (۱۳۹۷)، تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر سبک زندگی نسل چهارم، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، سال سیزدهم، شماره ۳۴، بهار، صص ۱۰-۱۲.
- سیاسر، قاسم (۱۳۹۴)، تجدد گروگان سنت: نقد ذهنیت تاریخ زده‌ی مردم سیستان و بلوچستان، انتشارات تفتان.
- سیاسر، قاسم (۱۳۹۲)، سیستان و بلوچستان در روزگار پهلوی: مجموعه شانزده مقاله.
- شریفی، احمد حسین (۱۳۹۱)، سبک زندگی به‌عنوان شاخصی برای ارزیابی سطح ایمان، معرفت فرهنگی، سال سوم، تابستان، صص ۴۹-۶۲.
- شکوری، علی، آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۱)، مدرنیته و خانواده تهرانی، مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره دوم، شماره سی‌ام و سی و یکم.
- طاهری، احمدرضا (۱۳۹۹)، جامعه بلوچ ایران و توسعه: آنسوی مسئله، نسخه چاپ‌نشده.
- طاهری، احمدرضا (۱۳۹۷)، جامعه راکد مدرن، نسخه چاپ‌نشده.
- عالم زاده نوری، محمد (۱۳۸۷)، انسان، تربیت و روانشناسی اخلاق، پگاه حوزه، شماره ۲۳۹.
- عسگری، ناصر (۱۳۵۷)، مقدمه‌ای بر شناخت سیستان و بلوچستان، تهران: انتشارات دنیای دانش.
- عباس زاده، محمد، سعیدی عطایی، حامد، افشاری، زهرا (۱۳۹۴)، مطالعه برخی عوامل جریان مدرنیته مؤثر بر گرایش زنان به طلاق، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، دوره چهارم، شماره ۱.
- علیمحمدی، پیمان (۱۳۹۷)، مطالعه جامعه‌شناختی سبک زندگی قوم بلوچ ایرانی، راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال هفتم، شماره ۲۷.
- عسگری، ناصر (۱۳۵۷)، مقدمه‌ای بر شناخت سیستان و بلوچستان، تهران: انتشارات دنیای دانش.
- گلستانی، صادق (۱۳۸۷)، بررسی دیدگاه عرفی شدن تشیع در فرایند تجدد، انتشارات گروه تاریخ و اندیشه معاصر، صص ۳۳۸-۳۷۵.
- گفتگو و مصاحبه با تعدادی از بانوان بلوچ (۱۳۹۸).
- منظور الاجداد، سید محمدحسین (۱۳۸۰)، سیاست و لباس (گزیده اسناد هم‌شکل شدن البسه (۱۳۰۷-۱۳۱۸)، تهران، سازمان اسناد ملی ایران.

تأثیر مدرنیته در تغییر سبک زندگی خانواده‌های بلوچ

-Julian, Bahrier. *Economic Development in Iran 1900-1970* (1971), Oxford University Press. UK.

-<http://www.bbc.co.uk/blogs/legacy/persian/viewpoints/2013/06/post-596.html>

-Knöbl, Wolfgang (2003), "Theories That Won't Pass Away: The Never-ending Story". In Delanty, Gerard; Isin, Engin F. (eds) . *Handbook of Historical Sociology*. pp. 96–107 [esp p. 97].)

-Modernization". Britannica.com. Encyclopædia Britannica. Retrieved 2013-08-17.)

-Kendall, Diana (2007), *Sociology in Our Times* (6th ed.). Belmont: Thomson/Wadsworth. p. 11. ISBN 978-0-495-00685-5)